



## گِجِه گوندی، پناهگاه پناهندگان ایرانی!

مشاهدات من از وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه

دوستان عزیز:

میخواستم برخی از تجربیات سفرم به ترکیه در تابستان گذشته را با شما در میان بگذارم. نزدیک به دو سال است که با پناهندگان ایرانی در ترکیه در ارتباط هستم و فعالیت‌های "مبستگی با پناهندگان ایرانی (IRA)" را هماهنگ می‌کنم. اشتیاق به دیدار با پناهندگان و ضرورت آشنایی بیشتر با مشکلات و مسائلشان من را مصمم به این سفر نمود. در این سفر موفق به دیدار با بیش از ۷۰ خانواده پناهنده شدم. همچنین با چند تن از نمایندگان "کمیسیاری عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)"، که نقش مهمی در تأمین امنیت پناهندگان دارد، ملاقات و گفتگو کردم. پس از سه هفته، ترکیه را با دید واقع‌بینانه‌تری از شرایط زندگی فوق‌العاده ناامن و آسیب پذیر پناهندگان ترک کردم. من از نزدیک شاهد تلاش‌های روزانه پناهندگان برای بقا و برای غلبه بر موانع و تهدیدهای بیشماری که به منظور کسب موقعیت پناهندگی و استقرار در کشوری ثالث با آن رو در رویند بودم.

اکثر پناهندگان ساکن آنکارا در "گِجِه گوندی" زندگی میکنند. در ترکیه "گِجِه گوندی" به معنی "یک شبه ساخته شده" است و به "حلی آبادهایی" که بطور غیرقانونی در دل شهرها ساخته می‌شوند اطلاق می‌شود. در یک محله پناهندگان در معدود خانه‌های باقی‌مانده‌ای که قرار بود بزودی به زیر بولدوزر بروند زندگی می‌کردند. نهایتاً همه این خانه‌ها با خاک یکسان خواهند شد. بسیاری از این خانه‌ها فاقد آب آشامیدنی و برق برای قسیتی و یا تمام طول سال می‌باشند. بارها از من در زیر نور شمع و چراغ نفتی و با چای دم شده بر ذغال سنگ پذیرایی شد. معهداً در این محلات اجاره‌ها ارزانتر و همسایه‌ها پناهنده‌نوازتر هستند.

شرایط زندگی در شهرستانها، جایی که اکثر پناهندگان ساکن هستند، بهتر از گِجِه گوندی‌ها نبود. در چورم (Corum)، محل سکونت صدها پناهنده، آب لوله کشی همه خانه‌ها از آغاز تابستان قطع بود. در تمام این شهرستانها پناهندگان در خانه‌های پر ازدحام روزگاری گذراندند. خیلی وقتها خانواده‌ها در اتاق از یک خانه سه یا چهار اتاق زندگی میکنند تا بتوانند کمک هزینه‌های ناچیز UNHCR، دسترزدهای قلیل و یا کمک‌های رسیده از خارج را برای رفع مایحتاج اولیه اوستا برسان کنند.

پناهندگان ایرانی اجازه کار در ترکیه را ندارند. معهداً آنهايي که زبان ترکی بلدند، یا موفق به یافتن صاحب کاری دلسوز شوند، و یا موفق به پنهان کردن موقعیت پناهندگی‌شان شوند مشغول به کار میشوند. به نوجوانی برخوردیم که برای روزی ۱۰ ساعت کار در یک رستوران ۷۰ سنت مزد می‌گرفت. صاحب رستوران از این پول خسارت لیوانها و قاشق چنگالهای شکسته و یا گمشده را نیز کم میکرد. پردرآمدترین پناهنده‌ای که دیدم در یک کارخانه با شرایط کار سخت از ۷ صبح تا ۷ شب و ۷ روز در هفته کار میکرد. او روزی یک و نیم دلار در میاورد و از مردش ۳۵ دلار در ماه برای اجاره یک اتاق که با همسر و فرزندش در آن زندگی می‌کردند می‌پرداخت.

آنچه بیش از همه برای من دردآور بود وضعیت بچه‌ها بود. مادری را دیدم که بدون کمک حتی یک قابله وضع حمل کرده بودند. آنها و نوزادانشان از هر گونه امکانات پزشکی چه قبل و چه بعد از وضع حمل محروم بوده‌اند چرا که در آن زمان هنوز پرونده پناهندگی‌شان تحت بررسی UNHCR بوده. زمینه، دختر ۹ ساله پناهنده‌ای که بدلیل اینکه از طریق عراق به ترکیه آمده بود تقاضای پناهندگی‌اش از طرف دفتر ترکیه UNHCR رد شده بود، از آسم مزمن رنج میبرد. پدرش نمی‌توانست نسخه مداوای او را بپیچد چون هنوز بابت بستری کردن زمینه در اوایل



تابستان امسال در اورژانس یک کلینیک سه میلیون لیر بدهکار بود. زمینه و چهار خواهر و برادرش مثل اکثر بچه‌های پناهنده، در طی اقامت در ترکیه از رفتن به مدرسه محروم بودند. بچه‌ها معمولاً در داخل خانه‌ها حبس می‌شوند تا توجه پلیس به خارجی بودن آنها جلب نشود و از خشونت و تهدیدهای متعاقب پلیس جلوگیری شود. بچه‌ها، چه کوچک و چه بزرگ، در مصائب والدینشان در رابطه با UNHCR و پلیس شریکند. نیهای چهار ساله تمام کارمندان UNHCR را به اسم بی-شناخت و آرزو میکرد که پدرش او را به پارک برد که پلیس نداشته باشد.

اغلب پناهندگان بدون پاسپورت وارد ترکیه

شده‌اند. برای اقامت در ترکیه، آنها ملزمند که خود را به پلیس معرفی کرده و تحت نظر پلیس به یکی از شهرهای اطراف آنکارا تقسیم بشوند. امضای روزانه در پاسگاه پلیس محل برای این گروه از پناهندگان اجباری است. آنهايي که تقاضای تمدید اقامتشان رد شده و یا به تعلیق درآمد در وضعیت بسیار دشواری قرار دارند. اینان دیر یا زود ناچار به فرار و مخفی شدن می‌شوند. یکی از پناهنده‌ها که در انتظار رسیدگی مجدد UNHCR به پرونده‌اش بود و در حال حاضر در اختفا بسر میبرد تعریف میکرد که چگونه هنگام امضای روزانه از خطر دیپورت (استرداد) گریخته است. آن روز او مثل همیشه به پلیس توضیح میداد که در انتظار اسکان در استرالیا است. پلیس در جواب میگوید که UNHCR در گزارشی گفته او را تکذیب کرده و گفته است که پرونده‌اش بسته شده است. در نتیجه بجای رفتن به استرالیا به ایران دیپورت خواهد شد. به اطلاق می‌برندش تا مقدمات دیپورتش را فراهم کنند. ولی خوشبختانه، در یک موقعیت مناسب موفق به فرار می‌شود. پناهنده دیگری تعریف میکرد که چگونه همسایه‌اش در مخفی شدن به او کمک میکرد. هر شب همسایه مهربان ترک در خانه او را قفل و زنجیر میکرد تا خانه متروکه جلوه کند. میت، پلیس امنیتی ترکیه، معمولاً شبها به خانه پناهندگان شیخون می‌زند. از آغاز تابستان امسال مقامات ترکیه صاحبخانه‌ها را ملزم کرده‌اند تا مستاجرین خارجی خود را وادار به گزارش به مختار محله کنند. این مقررات جدید یافتن محلی امن برای زندگی را برای پناهندگان هر چه مشکل‌تر و پرمخاطره‌تر کرده است.

یکی از مقاصد اصلی سفر من به ترکیه بررسی روند قضاوت UNHCR روی تقاضای پناهندگی ایرانیان بود. تنها پناهندگانی که از آزمون این روند بگذرند در مقابل دیپورت حفاظت میشوند، کمک هزینه مالی دریافت می‌کنند، و بالاخره در یک کشور ثالث مستقر می‌شوند. در حال حاضر صدها پناهنده پرونده بسته (برسیت شناخته نشده) در ترکیه زندگی میکنند. کارمندان حقوق UNHCR این حقیقت را که در سال ۱۹۹۳، ۵۸٪ از متقاضیان پناهندگی ایرانی از این سازمان قبولی گرفته‌اند سندی برای موثر بودن روش پناهنده پذیری دفتر خود تلقی میکنند. ولیکن از دیدگاه پناهندگان ایرانی روش این دفتر در تعیین قبولی و ردی متقاضیان پناهندگی دلخواه و خودسرانه است. سند تکانهنده این ادعا اقدامات خود-آسیبی بعضی از پناهندگان است که بدلیل عدم رسیدگی عادلانه، پرونده‌هایشان بسته شده است. جعفر جولان، پناهنده سیاسی که در بهار گذشته در اعتراض به دیپورت شدن پسر ۱۶ ساله‌اش خود را در مقابل دفتر UNHCR در آنکارا به آتش میکشد و یا بیژن که در اعتراض به بی‌اعتنایی UNHCR به تقاضای فرجامش لبهای خود را بهم میدوزد نمونه‌های زنده این حقیقت هستند که پناهندگان تا چه حد در رابطه با این دفتر به بن بست رسیده‌اند و جانانشان به لب رسیده است. آنها نه



می‌توانند به ایران بازگردند و نه امکان استقرار در کشور ثالث به آنان داده میشود. از نقطه نظر قانونی، این روند فاقد ضمانت‌های پایهای برای قضاوت عادلانه است و در نتیجه در چهار طاق بروی اشتباهات باز میگردد. *UNHCR* هیچگاه ضوابطی که عملاً در تعیین پناهندگی بکار گرفته می‌شوند و مدارکی که پناهنده برای صحت مدعایش لازم دارد را اعلام نکرده است.

پناهندگان جواب خود را بصورت فرمی دریافت می‌کنند که در آن تنها قید شده است: "پس از بررسی دقیق پرونده" متقاضی "به عنوان پناهنده" شناخته می‌شود و یا شناخته نمی‌شود. هنگامیکه من به کارمندان حقوقی این دفتر متذکر شدم که برای حفظ حداقل عدالت باید دلایل رد شدن تقاضای پناهنده کتباً و مشروحاً به اطلاع رسانیده شود تا امکان مقابله و رد این دلایل وجود داشته باشد، کارمندان *UNHCR* در جواب توضیح دادند که آنها متقاضیان پناهندگی را بطور شفاهی از علل ردی‌اش مطلع می‌کنند. ولیکن پس از توضیحات بیشتر روشن شد که تنها در ابتدای مصاحبه مربوط به بررسی تقاضای فرجام -- که به همه متقاضیان داده نمی‌شود -- مصاحبه‌کننده علل ردی پناهنده را بطور غافلگیرانه بازگو می‌کند که در نتیجه متقاضی فرصت تفکر و تحلیل نداشته باشد. من از آنها جویا شدم که آیا از محاکمه اوجی سیمسون، شخصیت ورزشی که متهم به قتل همسر و دوستش است چیزی شنیده‌اند. اوجی و لشکر وکلایش در دفاع از او نه فقط از فرصت تفکر و تحلیل بی اندازه برخوردارند، بلکه قبل از محاکمه به تمام مدارک جمع آوری شده توسط دادستان نیز دسترسی دارند. در هر حال، اغلب پناهندگان که مصاحبه های فرجامی انجام داده‌اند ابراز می‌کردند که علت ردیشان حتی به صورت شفاهی هم به اطلاع آنها نرسیده است.

فرجام خواهی برای متقاضیان پناهندگی فقط محدود به ارائه مدارک جدید است. بررسی تقاضای فرجام پناهنده، همچون بررسی تقاضای اولیه‌اش، در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. در طی مدتی که پناهنده در انتظار جواب به تقاضای فرجامش است، که معمولاً ماه‌ها طول می‌انجامد، از هیچگونه مصونیت قانونی در مقابل استرداد برخوردار نیست.

اظهارات پناهنده که در مصاحبه بتوسط مصاحبه گر مکتوب میشود و شالوده پرونده پناهنده را تشکیل میدهد، هیچگاه برای مصاحبه شونده بازخوانی نمیشود و صحت مطالب آن تصدیق نمی‌گردد. پناهنده و یا نماینده او حتی دسترسی و بازبینی پرونده را ندارند. اگر پرونده دارای اشتباهات ترجمه‌ای و یا سوءتفاهم‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی باشد و یا اطلاعات و مدارک ارائه شده از طرف پناهنده بطور کامل در پرونده موجود نباشد بخاطر این مقررات از نظرهای پنهان می‌مانند. اگر پناهنده مشاوره (وکیل) داشته باشد، مشاور حق حضور در مصاحبه را نخواهد داشت و به خاطر محرمانه بودن اسناد در واقع هر گونه وکالت موثر بنفع پناهنده منتفی است.

مسائل عدیده دیگری نیز در طی مصاحبه‌ها، که نقش بسیار مهمی در تعیین ردی یا قبولی پناهندگان از طرف *UNHCR* دارند، گزارش شده‌اند. تقریباً تمام پناهندگانی که با من صحبت کردند، خصوصاً بی‌اعتدالی عمیقی را از جانب مصاحبه‌گرهای *UNHCR* گزارش مینمودند. پناهندگان اجازه یادداشت برداشتن و حتی همراه داشتن قلم در مصاحبه را ندارند. چندین پناهنده شکایت میکردند که حتی قبل از شروع مصاحبه، متهم به ارائه داستانهای ساختگی شده‌اند و یا به آنان گفته شده که شانس زیادی برای قبولی ندارند. در چنین جو از عیبی، برخی از پناهندگان قادر به ارائه توضیحات کامل، دقیق و منطقی برای اثبات ادعاهایشان نشده‌اند. پناهنده‌ای که در طول اقامت ۱۱ ماهه‌اش در ترکیه فقط یک بار با نمایندگان *UNHCR* مصاحبه کرده بود، میگفت که مصاحبه‌اش تنها ۲۰ دقیقه طول انجامیده و از آن ۲۰ دقیقه هم بزحمت ۱۰ دقیقه آن بدرج بجزور بوده، چرا که مصاحبه بایستی از طریق مترجم صورت می‌گرفته. شکایات عدیده‌ای در مورد بی صلاحیتی مترجمین گزارش شده‌اند. کثرت این نوع شکایات حاکی از آن است که هیچ نوع بازرسی برای تضمین اینکه مصاحبه‌ای کامل و عادلانه از متقاضی صورت گرفته است وجود ندارد.

در شرایطی که سیستم *UNHCR* برای پذیرفتن درخواست پناهندگی ایرانیان با بی‌عدالتی‌های متعددی توأم می‌باشد، دولت ترکیه نیز برنامه قضاوت کردن جدیدی را از

جانب خود براه انداخته است. بر طبق این برنامه جدید، پناهندگان ایرانی باید بدواً به وزارت کشور ترکیه ثابت کنند که "پناهنده حقیقی" هستند تا بتوانند اجازه اقامت موقت دریافت کنند و از *UNHCR* تقاضای حمایت و حفاظت کنند. درخواست پناهندگی باید هنگام مصاحبه با پلیس ارائه شود. از اواسط ماه جولای تا کنون ده‌ها پناهنده جدید که وارد ترکیه شده‌اند تحت این ضوابط مورد مصاحبه پلیس ترکیه قرار گرفته‌اند. دفتر *UNHCR* تاکنون موفق به هیچ نوع دخالتی در این برنامه نشده است و در انتظار این نشسته که بر سر مردودیهای این برنامه چه می‌آید. پناهندگانی که قبل از آغاز این برنامه با پلیس مصاحبه کرده‌اند، که شامل افراد در حال حاضر برسمیت شناخته شده از طرف *UNHCR* میباشند، نیز در خطر قرار دارند. در ماههای اخیر، چندین حکم دیپورت برای این پناهندگان بر اساس "ناکافی بودن محتوای درخواست پناهندگی‌شان از مقامات ترکیه" صادر شده است. *UNHCR* اقدام به دخالت در مورد پناهندگانی که برسمیت شناخته شده است نموده. اما هیچ تضمینی برای اینکه این دخالت حتی پناهندگان برسمیت شناخته شده را در مقابل دیپورت محافظت کند وجود ندارد.

اگر چه پناهندگان ایرانی در ترکیه در موقعیت فوق‌العاده وخیم بسر می‌روند، ولی ناساید ننشسته‌اند. پناهندگان اراده و استقامت بی‌منتهی دارند تا به هدفشان یعنی امنیت دست یابند. من از آنان بسیار آموختم و تحت تاثیر بسیاری از آنان قرار گرفتم. همچنین برای من فرصتی بود تا بتوانم فعالیت‌های شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه را از نزدیک ببینم و در آن شرکت کنم. در ظرف ۵ سال گذشته، این شورا، در شرایطی که حتی سازمانهای خیریه تحت پیگرد قرار می‌گیرند، صدها پناهنده را در ترکیه متشکل نموده است. از تمام کک‌ها و راهنایی‌های اعضای هیئت اجرایی این شورا در طی سفرم عمیقاً متشکرم.

من با درک بهتری از اهمیت ککهای گردآوری شده توسط اجتماعات خارج از ترکیه و اشکال متنوعی که این ککها میتوانند به خود بگیرند به ایالات متحده بازگشتم. کک مالی منظم و قابل اتکا به خانواده‌هایی که هیچگونه مستوری از *UNHCR* دریافت نمی‌کنند حیاتی است. در سال ۱۹۹۴، با حمایت مالی بیشتر از صد فرد و گروه، بیش از بیست هزار دلار اعانه مالی از طریق *IRA* به پناهندگان ایرانی در ترکیه منتقل میشود. مع‌الوصف باکان تعداد زیادی خانواده هستند که نیازمند کمک مالی می‌باشند. از شما دعوت می‌کنم که اگر هنوز به صندوق کک مالی برای خانواده‌های پناهنده نپیوسته‌اید هر چه زودتر این کار را بکنید. خواهش دارم که دیگران را نیز به این کار تشویق کنید و پیشنهادات خود را برای شیوه‌های ابداعی گردآوری ککهای مالی با ما در میان بگذارید.

رابطه *UNHCR* با پناهندگان بایستی مداوماً زیر نظر گرفته شود، نقد گردد و به اطلاع عموم برسد تا عادلانه بودن روند پناهنده گزینی تضمین گردد. انتشار گزارشی هم‌جانبه در مورد معایب و نارسائی‌های عمومی روند تعیین پناهندگی *UNHCR* در دستور کار بلاواسطه ما قرار دارد. همچنین از آگوست ۱۹۹۴ *IRA* دست به کار برنامه حمایت (وکالت) حقوقی فردی برای پناهندگان شده است. بلحاظ محدودیت امکانات تاکنون توانسته‌ایم تنها بر روی تعداد معدودی پرونده اقداماتی انجام دهیم. در این رابطه دفترچه راهنمای برای پناهندگان بنظور ارائه موثر تقاضای پناهندگی در دست تهیه است.

دفتر *UNHCR* در ترکیه متوجه شده است که جمعی دلسوز در ایالات متحده به سیاستهای معترض است. برای گسترده و مؤثر کردن این اعتراض ما نیازمند بودجه بیشتر و داوطلبان بیشتری هستیم. شما می‌توانید در برنامه حمایت حقوقی *IRA*، تحقیق و پژوهشهای انتشاراتی با ما همکاری کنید. می‌توانید ما را در برقراری ارتباط با دیگر سازمانهای حقوق پناهندگان، وکلا، و موسسات حامی یاری بدهید. بالاخره، کک‌های مالی شما به *IRA*، در هر اندازه که باشد، این برنامه را مؤثرتر خواهد کرد.

در آخر می‌خواهم همه کسانی که به جمع همبستگی با پناهندگان ایرانی پیوسته‌اند و از فعالیتهای آن حمایت می‌کنند تشکر کنم.

ارادتمند شما،

## دلجو آبادی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس بگیرید:

IRA Cooper Station PO Box 316 NY NY 10276-0316  
Tel/Fax: 212-260-7460